

درجه

### کاهش سرفاصله حرکت قطارها در خط ۵ مترو

**• شرق:** مدیرعامل شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه از کاهش سرفاصله حرکت قطارهای خط پنج متروی تهران و حومه در ساعات اولیه بهره‌برداری خبر داد.
علی عبداله‌پور افزود: برای جابه‌جایی شهروندان و مسافران استان البرز از ساعت ۵:۰۰ تا ۹:۰۰ صبح از ایستگاه گلشهر به سمت کرج- تهران و همچنین از ایستگاه تهران (صادقیه) به سمت کرج-گلشهر از ساعت ۶:۰۰ تا ساعت ۱۰:۰۰ صبح از ۱۵ به ۱۰ دقیقه کاهش پیدا کرد.
برای رفاه حال مسافران و اینکه بتوانند در سریع‌ترین زمان ممکن به تهران برسند، اولین اعزام قطار از ایستگاه گلشهر در ساعت ۵:۰۰ صبح به‌صورت اکسپرس (تندرو) انجام خواهد شد.
مدیرعامل شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه در ادامه ارائه گزارش عملکرد مدیر ارشد خط پنج گفت: در حال حاضر بخش نگهداری و تعمیرات به‌خوبی از مترو، به بالندگی به لحاظ خدمات‌رسانی مطلوب به شهروندان و مسافران رسیده‌ایم و سرآمد شرکت‌های بهره‌بردار مترو در کشور بوده و به‌عنوان الگو برای خیلی از شرکت‌های شناخته‌شده هستیم.

ادامه از صفحه اول

### برخورد با شهروند- خبرنگاران فوبیای واقعیت

در ایران سال‌هاست همین نگاه غلط به حوزه رسانه وجود دارد و گویی کسی که واقعیتی تلخ را بازتاب می‌دهد و روایت می‌کند، خود مستنول و فووح آن رویداد است. همین نگاه باعث چه برخوردهایی که نشد و چه تعداد رسانه‌ها که تعطیل نشدند و چه تعداد روزنامه‌نگار که کارشان به زندان و برخورد کشیده نشد. اما همه اینها چه حاصلی داشت: آیا مشکلاتی که این روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها از آن دم می‌زدند، حل شد؟ آیا کشور درست شد؟ آیا امروز دیگر همه باور ندارند که اداره کشور ما دچار مشکلاتی بنیادین و اساسی است؟حالا با چه توجیهی همان مسیر شکست‌خورده و بی‌نتیجه را قرار است در برابر پدیده جدیدی به نام «شهروند- خبرنگار» تکرار کنیم؟ آن‌هم در روزهایی که تکنولوژی عملا هر فردی را در صورت بالقوه تبدیل به یک رسانه کرده و بالفعل شدن آن گهواره نیست با اتکا بر چه منطق حقوقی این اتفاق رخ می‌دهد. به‌طورکلی، دلیلی اصلی این برخورد و بدبینی به امور رسانه‌ای، چه به صورت رسانه‌های حرفه‌ای و چه شهروند-خبرنگاران، کاملا مشخص است و آن را باید «فوبیای واقعیت» دانست؛ یعنی بازتاب عمومی پدیده‌ها و رویدادهایی عموما منفی که برخی افراد و دستگاه‌ها از آن گریزان هستند. همان‌طورکه جهش‌های تکنولوژیک در گذر ایام، تلاش برای ایجاد محدودیت‌های مختلف در برابر رسانه‌های رسمی را به حدف عدم توزیع برخی محتواها خنتی کرده، همین عامل و عوامل مؤثر دیگری نیز نتنها اجازه محدودیت پدیده «شهروند- خبرنگار» را نخواهند داد، بلکه حتی زمینه‌ساز رشد آن نیز خواهند شد. در این شرایط اصلا زینده کشور ما نیست که مدام شاهد این نوع برخوردها باشیم که حتی مستممک قانونی هم ندارند، آن‌هم درحالی‌که در جهانی که ما آن را به انواع موارد متهم می‌کنیم، فعالیت آزادانه شهروند-خبرنگاران بزرگ‌ترین تحولات را دامن می‌زند و نتنها بر‌خوردی با آنها صورت نمی‌گیرد، بلکه برنده معتبرترین جوایز روزنامه‌نگاری هم می‌شوند.

**شهرزاد همتی:** با افزایش تعداد مرگ‌ومیرها و بستری‌های کرونایی و پرشدن بیمارستان‌های اطفال از کودکانی که دل‌تا در جان‌شان رخنه کرده، حالا سعید نمکی پذیرفته‌که یک پنجم کرونا زمین‌گیرمان کرده. از ۲۴ تا ۲۵ تیرماه و براساس اعلام وزارت بهداشت ۱۹۹ بیمار کووید۱۹ جان خود را از دست دادند تا مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۸۶هزار۷۹۱ نفر رسید. از طرفی سیستم‌وبلوجستان شرایطی بحرانی از نظر شیوع دل‌تا دارد و کم‌کم همه استان‌های جنوبی کشور قرمز شده‌اند؛ اما آنچه هفته گذشته اهالی سیستم‌وبلوجستان را غمگین کرد، ماجرای خروج اجباری بیماران از بیمارستان‌های استان بود تا حین ورود و بازدید سعید نمکی از بیمارستان‌ها مسجل شود که پرپودن بیمارستان‌ها شایعه‌ای بیشتر نیست و این سیاه‌نمایی است که دست و پای وزارت بهداشت را بسته است. هرچند بنا بر گزارش‌های غیررسمی پس از ترخیص اجباری بیماران مبتلا به کرونا از بیمارستان‌های محل بازدید نمکی پنج نفر جان‌شان را از دست داده‌اند؛ اما خانواده‌ها به دلیل تهدیدها و ترس از ثبت شکایات دولتی حاضر به گفت‌وگو نشدند. تلاش خبرنگار «شرق» تنها منجر به گفت‌وگو با خانواده دو نفر از ترخیص‌شدگان اجباری بود که یکی از آنها از دست رفته و یکی دیگر شرایط مساعدی ندارد و در خانه بستری است. خانواده بیمار بستری در خانه پس از مصاحبه، به دلیل تهدید به شکایت از سوی حراست بیمارستان… درخواست حذف مصاحبه را کردند.

**در سراز چه گذشت؟**

ایران بارانژهی، ۴۶ساله یکی از فوتی‌های ترخیص اجباری در راستای بازدید وزیر بهداشت از بیمارستان رازی سراوان است. برادر او در گفت‌وگو با «شرق»، به شرح جزئیات ترخیص خواهرش پرداخته و گفت: «خواهر من ۴۶ سال داشت و از حدود دو هفته پیش علائم جزئی بیماری در او مشاهده شد. دو روز بعد از مشخص‌شدن علائم به پزشک عمومی اورژانس بیمارستان رازی مراجعه کردیم و پزشک با دارو و آمپول خواهرم را به خانه فرستاد. بعد از دو روز حال خواهرم بهتر نشد و ما نمی‌دانستیم کرونا دارد. وقتی خواهرم نفس‌تنگی گرفت، دوباره به بیمارستان رازی مراجعه کردیم و دکتر «» متخصص عفونی بیمارستان از خواهرم اسکن ریه گرفت و مشخص شد ۸۵ درصد ریه او درگیر است و باید بستری شود. وقتی دستور بستری را به پرستار دادیم، پرستار گفت جا نیست و دو نفر دیگر قبل از شما منتظر خالی‌شدن تخت هستند، وقتی وضعیت خواهرم را دیدند برایش یک تخت خالی در نظر گرفتند. تخت در یک اتاق شش‌متری بود که دو مریض به جز خواهرم هم در آن بستری بودند. اتاق یک کولر گازی داشت که خراب بود، پنجره‌هایش جوش خورده بود و امکان بازکردنش نبود، فقط فن اسپیلت کار می‌کرد، هواکش اتاق وضعی بود و اصلا شرایط تهویه وجود نداشت و شام و سینه گرمی استان ما را می‌داند و فکر کنید مریض با زجر تنفسی در این شرایط چه حالی دارد. از پرستاران خواستیم که به تأسیسات بیمارستان زنگ بزنید تا هواکش را درست کنند. مسئول تأسیسات آمد و گفت الان تأسیسات تعطیل است و کاری نمی‌شود کرد. همراه یکی از بیماران که در اتاق ما بود، وضعیت فیلم گرفت و در فضای مجازی منتشر کرد. همین کار باعث تماس مسئولان به بیمارستان شد. این تماس‌ها باعث شد که مسئولان تأسیسات برای تعمیر دستگاه تهویه اقدام کنند. اسپیلت که درست نشد، موتور هواکش را عوض کردند و بالاخره هواکش راه افتاد؛ اما در نهایت برای خنک‌شدن هوا، همراهی هرکدام از بیماران از خانه پنکه رومیزی آوردند که آنها گرمای هوا کاشته شود.»

بارانژهی گفت:«کم‌کم زمزمه آمدن وزیر به بیمارستان راه افتاد و سه روز از آمدن ما به بیمارستان گذشته بود که وضعیت بیمارستان تغییر کرد.

پرستاران گفتند که باید بیماران کرونایی را جابه‌جا

## جامعه

حواشی دیدار وزیر بهداشت از بیمارستان‌های استان سیستان و بلوچستان

# بازدید نمایشی آقای وزیر



در اتاق شش‌متری ما سه مریض با سه همراه بودند و در اتاق‌های کمی بزرگ‌تر پنج، شش مریض به همین منوال بستری بودند، اما تا اسم آمدن وزیر آمد قرار شد بخش مریض‌ها را عوض کنند. دیدیم مریض‌ها جابه‌جا شدند و آنها را به بخشی بردند که تخت‌ها با پرده از هم تفکیک شده بودند. مریض ما حال مساعدی نداشت؛ اما روز دوشنبه ساعت ۱۰ صبح پرستارها به ما گفتند که مریض‌تان مرخص است و بروید کارهای ترخیص‌ش را انجام دهید. ما کارهای اداری را انجام دادیم و پرستارها گفتند فقط در خانه برای مریض‌تان یک کیسول اکسیژن بگذارید. من پرسیدم مریض ما را چه کسی مرخص کرده و پرستار گفت دکتر «ص» رئیس بیمارستان دستور ترخیص داده. من خیلی تعجب کردم که چرا مریض ما به وسیله پزشک دیگری ترخیص شده؛ اما دیگر پیگیر این ماجرا نشدم. رئیس بیمارستان حتی نیامد سی‌تی‌اسکن مریض ما را ببیند و وضعیت بالینی او را بسنجد و بعد او را از بیمارستان ترخیص کردند. ما کیسول اکسیژن تهیه کردیم و آماده کردیم تا به خانه بیایوریم. از همان لحظه ترخیص ما دیدیم وقتی ماسک را که از صورت خواهرم برمی‌داریم، نفسش تنگ می‌شود؛ ولی گفتم حتماً طبیعی است و دکتر تشخیصش صحیح است». برادر مرحوم بارانژهی در ادامه گفت: «ما مریضمان را به خانه آوردیم و اکسیژن‌ش را وصل کردیم؛ اما دو ساعت گذشت دیدیم بیمارستان اصلا شرایط مساعدی ندارد. با اکسیژن‌سنج دستی، سطح اکسیژن‌ش را بررسی کردیم و به قدری سطح اکسیژن‌ش پایین بود که دستگاه نشان نمی‌داد. به اورژانس زنگ زدیم و کارشناس اورژانس گفت که اکسیژن خواهرم ۳۰ است و باید سریع به بیمارستان منتقل شود. وقتی خواهرم را به اورژانس منتقل کردیم، بعد از یک ساعت با وجود تلاش برای احیا از دست رفت…».

بارانژهی با بیان اینکه در بیمارستان رازی سراوان حتی یک تخت خالی نبود و از ظرفیت بیمارستان‌های دیگر استفاده نشد، می‌گوید: «همین باعث شد که بازدید وزیر از بیمارستان لغو شود، هرچند دیگر کار از کار گذشته‌بود و خواهر من از دست رفت و سه فرزندش یتیم شدند. رئیس بیمارستان که خودش خواهر من را ترخیص کرده بود، حتی حاضر نشد سر بالین بیمار حاضر شود و گفت خود دکتر او باید وضعیت بیمار را بررسی کند.» یکی از پرستاران بیمارستان رازی با شرط محرمانه‌ماندن مشخصات حاضر به گفت‌وگو با «شرق» شد، او با بیان اینکه وقتی قرار شد وزیر به سیستم‌وبلوجستان بیاید، در بیمارستان ولوله به پا شد گفت: «به ما گفتند باید از تعداد بیماران بیمارستان کم کنیم و کسانی که شرایط بهتری دارند، مرخص شوند. اما به خاطر حجم بالای بیماران و همین‌طور وضعیت کمبود امکانات شرایط بررسی وضعیت بیماران وجود نداشت و همین باعث شد تعدادی از بیماران با شرایط حاد تنفسی مرخص شوند. ما حتی برای یک بیماری که ترخیص‌شدنش باعث مرگ او شد، با پزشک معالج تماس گرفتیم اما

در بحران کرونا خودش را بیشتر از پیش نشان داد. مشکلات عمده‌ای که سیستم‌وبلوجستان در حوزه بهداشت و درمان دارد، تنها به اینها خلاصه نمی‌شود و توسعه‌نیافتگی در همه جوانب باعث می‌شود که دسترسی به خدمات درمانی ایجاد شود. باید متذکر شد خیلی از روستاها از مراکز بهداشتی به‌شدت دور هستند و مردم اصلا دسترسی به این مراکز ندارند. مسئله سوم آمارهای اشتباهی است که به دلیل همان مسائل سیاسی که در ابتدا ذکر شد ارائه می‌شود. این آمارهای اشتباه استان را با مشکل جدی در مدیریت بحران کرونا مواجه کرده است.»

**مقصر این اتفاقات نمکی بود**

خاشنی با بیان اینکه اما مقصر این وضعیت باز هم وزارت بهداشت و رویکرد اشتباهی در این استان است، گفت: این رویکرد، رویکردی یک شبه بوده. بهداشت سیستم‌وبلوجستان همواره در بحران بوده و با وجود تلاش‌های کادر درمان استان، تغییر جدی در این وضعیت حاصل نشده است. برای مثال نماینده‌های استان ما سال‌هاست که نماینده مجلس هستند. برای مثال رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس بر عهده نماینده زاهدان است، ایشان نزدیک به دو دهه می‌شود که نماینده مردم زاهدان بوده و در این مدت می‌توانست در تقویت زیرساخت‌های استان بهتر عمل کند اما به خاطر ناکارآمدی نظارت جدی‌ای بر وضعیت درمان استان نداشت‌ه است. مقصر ارائه آمارهای اشتباه که از سوی کارگزاران استانی داده می‌شود، برنامه‌ریزی‌هایی است که حوزه زیرساختی است، «شرق» گفت: «یکی از مشکلات اصلی سیستم‌وبلوجستان گستردگی این استان است. چند سالی می‌شود که بیمارستان‌های استان سیستان‌وبلوجستان از دانشگاه علوم پزشکی مستقل شده‌اند. ما در شهرستان‌های کلان مثل زابل، زاهدان و چابهار بیمارستان‌های مجهزی نداریم؛ مثلا بیمارستان چابهار با کمبود جدی پزشک روبه‌روست و متخصصان بیماری‌های عفونی در استان به‌شدت کم هستند. با توجه به اینکه فعل‌وانفعالات صورت‌گرفته در این بیمارستان معمولا برگرفته از تصمیم‌های قبلیه‌ای و گعده‌ای و عمدتا عشیره‌ای است و حوزه بهداشت در سطح استان متأثر از این نگاه است، خیلی وقت‌ها نیروهای بومی متخصص استان قربانی این نگاه می‌شوند. برای مثال دانشگاه علوم پزشکی سیستان‌وبلوجستان که مرکزش در زاهدان است، همیشه تحت تأثیر یک گروه بوده و این گروه همیشه روی همه حوزه‌های بهداشت و درمان اشرف و نفوذ داشته است. این مسئله بستر ناراضیاتی در بین مردم را فراهم کرده. ما در ایرانشهر هم شاهد این نگاه گعده‌ای هستیم و این مسئله برای اقاع طوایف و قبیله‌هاست. وقتی چنین نگاهی آن هم به حوزه‌های تخصصی مثل درمان و بهداشت وجود داشته باشد، در بزنگاه‌های بحرانی، ما شاهد به‌وجودآمدن ناهنجاری هستیم.»

خاشنی در ادامه تصریح کرد: «مدیریتی قبلی بهداشت حوزه ایرانشهر که برکنار شد، مدیر جدیدی روی کار آمد. همه این‌ تغییر و تحولات عموما متأثر از نگاه نمایندگان مجلس است و خیلی کم به شایسته‌سالاری توجه می‌شود. در بحران اخیر سیستم‌وبلوجستان متأسفانه بیمارستان‌ها که باید محل متخصصان باشد، مکانی برای جلد‌های سیاسی شید و این جدل‌ها وقت بسیار زیادی را از کارگزارهای استانی گرفت و آنها را با خطر ازدست‌دادن موقعیت روبه‌رو کرد و برای همین تلاش آنها پوشاندن حقیقتی به نام کرونا دل‌تاست که استان را محاصره کرده است.» این فعال اجتماعی در ادامه گفت: «موضوع بعدی بیمارستان‌ها، مراکز بهداشت و خانه‌های سلامت هستند که تحت نظر دانشگاه‌های علوم پزشکی اداره می‌شوند و همه آنها با کمبود نیرو و مشکلات تأمین حقوق کارمندان مواجه‌اند و این مسائل انگیزه آنها را کمتر می‌کند. همه این مسائل

**آگهی تغییرات شرکت نجات ایمن دانا پایه شرکت سهامی خاص**

به شماره ثبت ۴۷۷۰۰۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۱۳۹۷۵۲ به استناد صورت تجلسه هیئت مدیره مورخ ۰۲/۱۲/۱۴۰۰ تصمیامات ذیل اتخاذ شد :
امضا کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی و نظایر آن به امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.امضاء اوراق عادی و اداری نیز به امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.
اختیارات حق انتخاب وکیل، طرح دعوا و دفاع از دعاوی همراه با حق واگذاری کلیه اختیارات مندرج در مواد ۳۵ و ۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی به مدیرعامل تفویض شد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۱۶۵۰۳۰)

## سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۶۰۳۶۱۱۹

ادامه از صفحه ۳

## محتشمی‌پور به روایت خوئینی

… ولی آنچه سبب می‌شد محتشمی‌پور همچنان از احترام و اعتبار پیشین برخوردار باشد، صداقت و خلوص در رفتار سیاسی و نیز سلوک مردمی او بود و این همه را در طول ده‌ها سال از امام و مقتدای خود آموخته بود. باز هم تکرار می‌کنم که محتشمی‌پور کاسب بازار سیاست و مشتری نان و نام حکومت نبود و ای‌کاش همه ما این آزادگی را از آن عزیز اذ دست‌رفته می‌آموختیم. مرحوم آقای محتشمی‌پور در رابطه با اصول و مبانی نهضت حضرت امام و انقلاب اسلامی ایران از اتانی نبود که امروز مسئول و مصداق این سخنان هستند که: «یکی بر سر شاخ، بی‌می‌بزند». محتشمی‌پور بر آن اصول و مبانی تا آخر استوار ماند و به ایمان خود به امامت و رهبری امام در انقلاب که به امضای اکثریت قاطع ملت ایران رسیده بود تا پایان عمر پایبند بود. ولی در مقام اقدام و عمل به اصول و مبانی انقلاب، به این سخن امام که «زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهاد است» نیز پایبند بود. او معتقد بود اگر سنت‌های به‌جامانده از رسول خدا(ص) و امام علی و دیگر امامان معصوم علیهم‌السلام که میراث گران‌سنگ آنان برای همه نسل‌هاست، در ظرف زمان و مکان قابل درک است و می‌تواند راهنمای زندگی امروز ما باشد، پس سخنان راهگشای حضرت زاهدان نیز قطعا در چارچوب اجتهاد، برای ما و آیندگان مورد استاد و راهنمای عمل خواهد بود. آقای محتشمی‌پور، در کنار ایمان راستخی که به درست‌ی راه امام داشت، به این کلام امام نیز باور داشت که «ما ایران امروز را نمی‌توانیم مانند مدینه زمان پیامبر اداره کنیم». او آنچه را از امام آموخته بود، در گفتار و در عمل، به دوستان و علاقه‌مندان خود نیز می‌آموخت. مرحوم آقای محتشمی‌پور از امام آموخته بود که باید جمهوری اسلامی حفظ شود و نباید کیان نظامی که با آرای اکثریت قاطع ملت به پا شده است، فدای شخص یا اشخاص شود و هرگاه جریان امور را برخلأ آن می‌دید، مقابله می‌کرد. او انتظار داشت هرکس در هر جایگاهی که هست به این دیدگاه امام پایبند باشد که اگر مردم چیزی را بخواهند، ما نمی‌توانیم بر اساس رای و تشخیص خود خلأ آن را بر ایشان تحمیل کنیم و گمان بریم که به تکلیف شرعی خود عمل کرده‌ایم، تکلیف شرعی آن است که در اداره راجعه و کشور، مطابق خواست مردم عمل کنیم، هرچند آن را به زبانشان بدانیم و اگر گمان می‌کنیم خواست آنان در تعارض با تکلیف شرعی ماست، باید مردم را آزاد بگذاریم تا آن‌گونه که خود می‌خواهند کشورشان را اداره کنند. ما حق نداریم چیزی را به مردم تحمیل کنیم. مرحوم محتشمی‌پور این درس‌ها را از امام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی آموخته بود و در گفتار و رفتار به علاقه‌مندان خود می‌آموخت. مرحوم آقای محتشمی‌پور که چه زود از دستمان رفت، از اسام آموخته بود و به علاقه‌مندان هم آموخت که در اوج مبارزات و فعالیت‌های سیاسی نباید از نام و یاد خدا غافل شد و از برپاداشتن خیمه‌ای دست کشید که یاد اولیای خدا و مجاهدت‌ها، اسارت‌ها، درحصرماندن‌ها و شهادتشان را زنده نگه می‌دارد. بریایی دارالزهرای محتشمی‌پور به همه می‌آموخت که هر تلاشی برای مردم، کشور و آزادی، همه با یاد خدا و ایمان استوار به آیین رسول خدا و پیروی از سلوک علی، زهرا، حسین و فرزندانشان که درود خدا بر آنان باد، دلنشین است و به اینهاست که از سرزنش ملامتگران غمی به دل راه نمی‌یابد و اگر لازم باشد جلائی وطن و دوری دوستان و بستگان هم آسان می‌شود. مرحوم آقای محتشمی‌پور با حضور خود در جریان خط امام که برای بقا و استواری جمهوری اسلامی به پاره‌ای از اصلاحات تأکید می‌کند، با توجه به باورها و منش و سلوکی که داشت، مخالفان را در اتهام‌زنی به این جریان ناگام می‌گذاشت، مخالفانی که هیچ مانع دینی، اخلاقی، انسانی و قانونی بر سر راه خود نمی‌دیدند و زبان به هر تهمت می‌گشودند. او می‌دانست که این مخالفان از این تهمت‌ها و اهانت‌ها طرفی نمی‌بندند، اگرچه با این شیوه‌ها ایامی چند بر خر مراد سوار شوند. باور آن مرحوم و همراهانش جز این نبود که «والعاقبه للمتقین».

مرحوم آقای محتشمی‌پور نه از اتانی بود که به علت سختی راه از تلاش دست می‌کشند و نه از اتانی که وقتی اخراجی در جریان امور می‌بینند، چنان واکنش نشان می‌دهند که به اصل و اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد می‌شود. او به‌خوبی می‌دانست که ورای جمهوری اسلامی سربایی بیش نیست. او توجه داشت که طرحی که امام، رضوان‌الله تعالی علیه، درانداخته است، بنیانی مروض است و باح‌چروی افراد این بنیان فروزمی‌زند، پس اگر لازم باشد، مدتی باید سکوت و صبر پیشه کرد؛ او چنین تشخیص داده بود و تا آخر عمر بر تحلیل اجتهادی خود استوار ماند. باید بپذیریم که تشخیص درستی یا نادرستی هر فعالیتی در این زمانه قابل قیاس با دهه ۵۰ و بیشتر از آن نیست یا بسیار دشوار است و از راه و رسم آن پیر مبارزه، سیاست، اخلاق، فلسفه، عرفان و فقهات آموخته بود که تحلیل سیاسی-اجتهادی نقشی تعیین‌کننده در اتخاذ خطمشی دارد و مرحوم آقای محتشمی‌پور بر اساس اجتهاد خود، این راه را می‌پیمود. خاوند آن دوست گرامی و عزیزتر از جوار رحمت نامتاهی خود، با اولیای دین و صالحان محشور فرماید.

www.sarghdaily.ir